

من ألواح نقطه (اسلامبول)

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



بسم الذي هو منفخ الروح في

أجساد الكلمات بروح قدس منير

حمد خدا را که عیون حیوان غیبی که در حجاب ستر الهی مستور بود بتأییدات روح القدس علوی از حقایق کلمات جاری و ساری گشت بلی چشمه حیات مشهور که بعضی از عباد در طلب او شتافتند حیات ظاهری عنصری بخشید و این چشمه حیات که در کلمات سبحانی جاری و مستور است حیات باقی و روح قدسی بخشید مبدأ و محل آن چشمه ظلمات ارض است و مبدأ و سبب این چشمه جعد محبوب چون حور معانی که ازل الازل خلف سرادق عصمت صمدانی مستور بود وقتی از ساحت قدس سلطان لایزالی اذن خواست که از غرفات خلوت روحانی بانجمن رحمت ربّانی در آید و یک تجلی از تجلیات مکنونه بر عوالم قدس احدیه اشراق فرماید در این حین منادی از مصدر الوهیت کبری و مخزن ربوبیت عظمی ندا نمود که خلقی که قابل این تجلی و اشراق شوند مشهود نه امر بخلق جدید و صنع بدیع گشت جمیع اهل ملاء اعلی و سگان رفارف بقا متحیر گشتند که این خلق بدیع از چه عنصری مخلوق شوند و از چه حقیقتی موجود آیند در این حین نسیم صبای قدسی از سبای فردوس معنوی بوزید و غبار لطیف معطری از گیسوی آن حوری روحانی آورد و در آن ساعت چند قطره شراب نورانی از کوثر جمال حضرت رحمانی در آن غبار چکید و دست قدرت صمدانی از کنز غیب رحمت سلطانی ظاهر شد و آن غبار روحانی را بماء عذب نورانی عین فرمود و بعد نفسی از نفس قدمانی در او دمید اذاً قاموا خلقاً لو ينظر أحدٌ منهم بِطَرْفِ طَرْفِهِ عَلَى أَهْلِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَيَنْعَدَمَنَّ كَلْهَنٌ وَيُنْقَلِبَنَّ وَيَرْجَعَنَّ إِلَى عَدَمٍ قَدِيمٍ وَبَعْدَ أَمْرٍ مَبْرَمٍ مِنْ سَمَاءِ أَمْرِ الْهَيْ شَدَّ كَيْ أَهْلِ سَرَادِقِ عِظَمَتِ وَأَهْلِ حِجَابِ قَدْرَتِ وَمَلَأَ كَرُوبِينَ وَحَقَائِقَ صَافِينَ جَنَّتْ خَلْدَ رَا بِأَنْوَارِ جَمَالِ تَزْيِينِ نَمَائِنِدِ وَبَفْرَشِ سِنْدَسِ وَاسْتَبْرَقَ قَدْسِي فَرَشَ نَمَائِنِدِ وَبَعْدَ اذْنِ خُرُوجِ مِنْ سَمَاءِ ظَهْرٍ رَسِيدِ وَأَنْ حُورِيَّةَ رُوحِ مِنْ خَلْفِ سَرَادِقِ



ORIGINAL

کبری بیرون آمد و بر سگان اهل سماوات و ارض بذل روح حقیقی فرمود و بعد از قیام بر فراش سندسی حرکتی فرمود و از آن حرکت از شعرات او چند نقطه سودا که حاکی از ان ظلمت نورا بود بر ارض استبرقی چکید و از آن نقطه های معدوده این کلمات بدیعه ترین یافت و کوثر حبیه در ظلمات عیون این کلمات مستور گشت پس ای همپران هوای قدسی از توجه بدنای فانی خود را از این سلسبیل باقی ممنوع ننماید شاید بر فارف بقای لقای جمال ذوالجلال اذن دخول یابید و کذلک نذکر لکم الأسرار فیما ستر علی عقولکم و قلوبکم فی الماء الذی ذکر فی کلّ الألواح بالحيوان لعلّ أنتم إلى هذا الماء فی هذا المعین بعد انقطاعکم عن کلّ من فی السموات والأرض إلیه تصلون وإلی بدایع فیض فضله ترجعون